

## Original Article

### The Role of Public Trust in the Achievement of Desirable Bioethics in the Islamic System

Seyed Mahmoud Hosseini<sup>1</sup>, Ali Pour Manouchehri<sup>2\*</sup>, Jamshid Masoumi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author) Email: ali\_paormanouchehri@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 30 Sep 2021 Accepted: 17 Jan 2022

#### Abstract

**Background and Aim:** Desirable bioethics is one of the goals of any political and social system, which is considered as a form of peaceful and a just life. This approach is also prominent in the Islamic system. However, various factors such as public trust are effective in achieving the desired bioethics in the Islamic system that the present study addresses these issues and seeks to show how the elements of public trust can achieve the desired bioethics in the Islamic system.

**Materials and Methods:** The method used in the present study is descriptive-analytical, which has been done by searching and examining information in books, historical and religious texts, verses and hadiths, as well as related research to collect data and analyze the subject.

**Ethical Considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Findings:** Commitment to the covenant, enjoining the right and forbidding the wrong, responsibility, accepting criticism and critique, as well as the rule of law are among the moral values that grow in the shadow of public trust in society and provide the basis to achieve the desirable bioethics. Fulfilling the covenant in act on promises and agreements of the people and the Islamic system, enjoining the right and forbidding the wrong in trying to establish moral values and eliminating vices, responsibility means performing tasks to organize political and social life and the rule of law, acting on the basis of the precepts of Sharia are manifested as the ground for the realization of the desired bioethics in the Islamic system.

**Conclusion:** Public trust, both vertically (the relationship between citizens and the political system) and horizontally (the relationship between citizens with each other), leads to the formation of moral and human values to achieve the desired bioethics in the Islamic system. The values of loyalty, honesty, responsibility, obedience to the law and fulfillment of religious and legal duties and orders, are obtained in the Islamic system if that people trust each other and their trust in the political system is achieved. Therefore, public trust is the background and promoter of moral values in Islamic society.

**Keywords:** Public Trust; Bioethics; Islamic System; Islamic Ethics

**Please cite this article as:** Hosseini SM, Pour Manouchehri A, Masoumi J. The Role of Public Trust in the Achievement of Desirable Bioethics in the Islamic System. *Bioethics Journal*, Special Issue on Ethical & Legal Reflections 2021; 191-201.

## نقش اعتماد عمومی در تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی

سید محمود حسینی<sup>۱</sup>، علی پورمنوچه‌ری<sup>۲\*</sup>، جمشید معصومی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: ali\_paormanuchehri@yahoo.com

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۷/۸ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

### چکیده

**زمینه و هدف:** اخلاق زیستی مطلوب از اهداف هر نظام سیاسی و اجتماعی است که به عنوان شاکله زندگی مسالمت‌آمیز و عادلانه در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد در دین اسلام و نظام اسلامی نیز برجسته است. با این حال، عوامل مختلفی از جمله اعتماد عمومی در تحقق اخلاق زیستی مطلوب در چارچوب نظام اسلامی اثرگذار هستند که پژوهش حاضر به این مباحث می‌پردازد و درصدد است تا نشان دهد که عناصر اعتماد عمومی از چه راه‌هایی می‌توانند منجر به تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی شوند.

**مواد و روش‌ها:** روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است که با غور و تفحص در اطلاعات کتب، متون تاریخی و دینی، آیات و روایات و همچنین پژوهش‌های مرتبط نسبت به گردآوری داده‌ها و تحلیل موضوع اقدام شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصول متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، مسؤلیت‌پذیری، انتقادپذیری و انتقادگری و همچنین حاکمیت قانون از جمله ارزش‌های اخلاقی است که در سایه اعتماد عمومی در جامعه رشد کرده و زمینه را برای تحقق اخلاق زیستی مطلوب فراهم می‌آورند. وفای به عهد در عمل به وعده‌ها و توافقات مردم و نظام اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر در تلاش برای برقراری ارزش‌های اخلاقی و زدودن رذیلت‌ها، مسؤلیت‌پذیری به معنای انجام تکالیف برای سامان‌بخشی به زندگی سیاسی و اجتماعی و حاکمیت قانون، در عمل بر مبنای دستورات شرع جلوه‌گر می‌شوند که خود زمینه تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی محسوب می‌شوند.

**نتیجه‌گیری:** اعتماد عمومی هم به صورت عمودی (رابطه میان شهروندان و نظام سیاسی) و هم به صورت افقی (رابطه میان شهروندان با یکدیگر) باعث شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی و انسانی برای تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی می‌گردد. ارزش‌های وفاداری، صداقت، مسؤلیت‌پذیری، پیروی از قانون، و عمل به تکالیف و دستورات شرعی و قانونی در صورتی در نظام اسلامی متحقق می‌شوند که اعتماد میان مردم با یکدیگر و اعتماد آنان نسبت به نظام سیاسی حاصل شده باشد. بنابراین اعتماد عمومی، پیش‌زمینه و پیش‌برنده ارزش‌های اخلاقی در جامعه اسلامی است.

**واژگان کلیدی:** اعتماد عمومی؛ اخلاق زیستی؛ نظام اسلامی؛ اخلاق اسلامی

## ۱. مقدمه

اعتماد عمومی یکی از موضوعات کلیدی در عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی است. اهمیت اعتماد عمومی تا جایی است که امروزه از آن به عنوان یکی از اصول حیاتی نظام‌های سیاسی و ضامن بقا و مشروعیت آنان یاد می‌شود. از طرفی دیگر، حفظ اصول اخلاقی جامعه به عنوان زمینه‌ساز تحقق زیست اخلاقی مطلوب در هر جامعه‌ای، نیازمند وجود میزان بالایی از اعتماد عمومی است، چه اینکه در جامعه‌ای که اعتماد عمومی وجود نداشته باشد، امیدی برای تحقق حقوق شهروندان از یک طرف و پیاده‌شدن اصول اخلاقی از طرف دیگر وجود ندارد. بر همین اساس، نظام سیاسی اسلامی که داعیه‌دار پیاده‌کردن اصول اخلاقی است، نقش مهمی برای تحقق اصول اخلاقی با هدف دستیابی به زیستی مطلوب قائل می‌شود که این امر تا حد قابل توجهی متأثر از مولفه اعتماد عمومی است. بنابراین وجود اعتماد، کارکرد و نقش‌آفرینی آن، بخشی از فرایند اثرگذار بر شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی و تحقق اصول اخلاق زیستی به شمار می‌رود.

با این حال باید در نظر داشت که تحقق اصول اخلاق زیستی مطلوب در جامعه اسلامی به آسانی قابل حصول نیست. از منظر اندیشه اسلامی و از جمله تفکرات پشتوانه اسلام سیاسی، اصلاح روابط فردی و اجتماعی بر مبنای اعتماد، پذیرش دستگاه حکومت از سوی مردم، اعتماد مردم جامعه نسبت به یکدیگر و همچنین عمل بر مبنای اعتماد متقابل از جمله اسباب لازم برای تحقق ارزش‌های اخلاقی و اسلامی محسوب می‌شوند. آنچه به عنوان اهداف تأسیس نظام سیاسی اسلامی در نظر گرفته می‌شود، سعادت دنیوی و اخروی آحاد مردم است که خود نیازمند اعتماد عمومی میان مردم و اعتماد نسبت به نظام سیاسی و بالعکس می‌باشد. بر همین اساس و با توجه به اهمیت تحقق اخلاق و معیارهای اخلاق زیستی در جامعه اسلامی، پژوهش حاضر درصدد بررسی نقش اعتماد عمومی در تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی برآمده است. در این بررسی، اعتماد عمومی در معنای عام آن منظور بوده که از اعتماد افقی (رابطه مردم با

مردم) و همچنین اعتماد عمودی (مردم با نظام سیاسی) تشکیل می‌شود.

سؤالی که مطرح می‌شود این است: اعتماد عمومی از چه راه‌هایی می‌تواند باعث تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی شود؟ فرضیه مقاله حاضر نیز این است: اعتماد عمومی با ایجاد حس تعامل میان افراد جامعه با یکدیگر و همچنین مردم با نظام سیاسی باعث تحقق ارزش‌های اخلاقی، نظیر وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، مسؤولیت‌پذیری و ترویج فرهنگ نقد در جامعه، حاکم‌کردن قانونگرایی و قانونمندی می‌شود که از جمله معیارهای اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی هستند.

## ۱-۱. سوابق تحقیق: درباره بحث اعتماد عمومی و جامعه

مطلوب هم در اندیشه متفکران مختلف و هم در نزد فقها، آثار و تحقیقات گسترده‌ای انجام شده است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

علیزاده و افسری (۱۳۹۵ ش.) در مقاله «تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان (با تأکید بر شاخص تعمیم‌یافته)» بر این عقیده اند که ادیان الهی با ترویج فضایل اخلاقی و تمدن‌ساز نقش مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی دارند که اعتماد عمومی نیز یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود.

مقیم (۱۳۹۴ ش.) در مقاله «مؤلفه‌های معرفتی و ساختاری سرمایه اجتماعی اسلام در مورد تحقق «اتحاد جماهیر آزاد اسلامی» از منظر امام خمینی (ره)» به بررسی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و نقش آن در تحقق اتحاد جماهیر آزاد اسلامی با محوریت بررسی اندیشه امام خمینی پرداخته است. افسری (۱۳۹۲ ش.) در مقاله «سرمایه اجتماعی در اسلام»، چنین بیان می‌کند که اصول اسلامی مانند وحدت، اخوت، صداقت، وفای به عهد، حسن ظن، خوشرویی و... می‌تواند به تشکیل سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی منجر شوند که در نهایت ابعاد فردی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرند. اسکندری و موسوی (۱۳۹۰ ش.) نیز در مقاله «بررسی ابعاد مفهوم اعتماد در اندیشه شهید مطهری و کاربرد آن در مدیریت سازمان‌ها»، بدین نتیجه رسیدند که اعتماد

همچنین آرا و دیدگاه‌های فقها و اسلام‌شناسان، و تحلیل نهایی آن‌ها، صورت گرفته است.

#### ۴. یافته‌ها

شکل‌گیری ارزش‌های اخلاقی و تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی، ارتباط وثیقی با رفتارهای مردم با یکدیگر و رفتارهای آنان با نظام سیاسی حاکم در جامعه دارد. بدین معنا وقتی که در جامعه اعتماد کافی وجود نداشته باشد، همکاری و همگرایی برای عمل به مسؤولیت فردی و اجتماعی، انجام وظایف، امر به معروف و نهی از منکر، قانونگرایی، پذیرش انتقادات و اصلاح رفتارها نیز دیده نمی‌شود، اما در صورتی که اعتماد عمومی میان بخش‌های مختلف جامعه وجود داشته باشد، عمل هر فردی بر مبنای مسؤولیت و شناخت از وظایف خود، مرتبط دانستن حقوق خود با محقق شدن حقوق دیگران، بازداشتن از سیئات و توصیه به امور معروف و نیک، گسترش پیدا کرده و زمینه‌های لازم برای بسط ارزش‌های اخلاقی در جامعه و نظام سیاسی نیز فراهم می‌آید. بنابراین تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی نیازمند وجود اعتماد عمومی در جامعه است.

جامعه‌ای که اعتماد عمومی در معنای اعتماد مردم به یکدیگر و اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی و بالعکس در آن وجود داشته باشد، برای تحقق عدالت، مبنا قراردادن کرامت انسانی، گسترش تعاون و همکاری، مشارکت در امور جامعه، ترویج حس مسؤولیت‌پذیری و پاسخگویی به عنوان اسباب زیست اخلاقی مطلوب، مهیا می‌شود. قسط و عدل، مطلوب هر انسان بوده و در جای‌جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است، حتی اگر به ضرر شخصی باشد. در این راستا، توجه به کرامت انسانی بخش مهم آموزه‌های حقوق بشر اسلامی است که با رعایت اصول برابری، برادری و فارغ‌بودن از نگاه‌های نژادی، قومی و... توسط حکومت اعمال می‌شود. از منظر اندیشه اسلامی، انسان دارای کرامت ذاتی و فطرت الهی است. احترام به کرامت انسانی یکی از مهم‌ترین اصولی بود که اسباب هدایت و ایمان را در دل‌های آحاد مردم برافروخت و سبب شد انسان‌ها، اعم از زن و مرد، به دامن پر مهر اسلام، پناه آورند.

مقوله‌ای مهم در ارتباطات انسانی و شیوه حکمرانی است و قوام‌بخش و تضمین‌کننده روابط انسان‌ها در تمامی سطوح است. فصیحی (۱۳۸۶ ش.) در مقاله خود با عنوان «دین و سرمایه اجتماعی»، سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی مطرح می‌کند که البته تحت تأثیر دین نیز قرار دارد. بدین معنا که دین به عنوان یکی از مبانی اصلی فرهنگ‌سازی و ساخت اجتماع، همواره نقش مهمی در تولید سرمایه اجتماعی برای جوامع مختلف دارد.

مزید بر موارد مذکور، در آثار فقهی از جمله تفسیر نور، ناصر مکارم شیرازی (۱۳۶۲ ش.)، اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۷۰ ش.)، جایگاه زن در اسلام، حسین نوری همدانی (۱۳۷۸ ش.)، عدالت اجتماعی در اسلام، سیدقطب (۱۳۷۹ ش.)، تفسیرالمیزان، محمدحسین طباطبایی (۱۳۴۵ ش.)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، روح‌الله موسوی خمینی (۱۳۹۱ ش.)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ابن بابویه صدوق (۱۳۸۰ ش.) نیز به ابعادی از بحث ارتباط اعتماد عمومی و شکل‌گیری جامعه مطلوب اسلامی اشاره شده است.

با توجه به تحقیقات صورت‌گرفته، آنچه تحت عنوانی مستقل از نظر مغفول مانده است، ضرورت پرداختن به بحث نقش اعتماد عمومی در شکل‌گیری اخلاق زیستی مطلوب در جامعه اسلامی است که در اثر خاصی مورد بررسی قرار نگرفته است و همین امر ضرورت و نوآوری تحقیق حاضر را آشکار می‌سازد.

#### ۲. ملاحظات اخلاقی

در فرایند گردآوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده‌شده در مقاله و همچنین ارجاع‌دهی به منابع، اصول اخلاقی و امانتداری رعایت شده است.

#### ۳. مواد و روش‌ها

روش بررسی در مقاله حاضر توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای (اسنادی) می‌باشد. در واقع پژوهش حاضر از طریق جمع‌آوری اطلاعات با بررسی منابع اسنادی و کتابخانه‌ای مشتمل بر کتب و مقالات و

توجه به اصل تعاون و همکاری از محورهای ساختن زندگی سرشار از صلح و آرامش است.

## ۵. بحث

### ۵-۱. اعتماد عمومی و وفای به عهد: وفای به عهد از

اسباب اخلاق زیستی مطلوب است و در آموزه‌های اسلامی تأکید زیادی بر آن شده است. به این دلیل که اگر مسأله وفای به عهد نباشد، میثاق‌های فردی و بین‌المللی به کنار می‌روند و شیرازه زندگی از هم گسسته می‌شود و حتی پیشرفت جامعه انسانی متوقف می‌شود (۱). با توجه به اینکه وفای به عهد یکی از شاخصه‌های اخلاق زیستی در نظام اسلامی و به طور کلی جامعه اسلامی است، تحقق آن نیازمند شرایط دیگری است که از جمله می‌توان به اعتماد عمومی اشاره نمود. اعتماد عمومی بر وفای به عهد به عنوان یکی از عوامل تحقق اخلاق زیستی مطلوب توجه نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین پیامدهای مهمی که اعتماد عمومی ایجاد می‌کند، شکل‌گیری وفای به عهد و پیمان است که از فضایل مهم اخلاقی محسوب می‌شود و برعکس، پیمان‌شکنی از بدترین رذایل اخلاقی است که می‌تواند نشأت گرفته از بی‌اعتمادی باشد. وفای به عهد سرمایه‌های دیگران را به سوی انسان سرازیر می‌کند و حتی در جهات مادی زندگی را رونق می‌بخشد، به همین دلیل تمام دولت‌های جهان برای این که بتوانند از رونق اقتصادی خوبی برخوردار گردند. سعی می‌کنند به عهد و پیمان‌های خود پایبند باشد، چه این که در غیر اینصورت منزوی خواهند شد. بنابراین همانطور که گفته شد اگر مسأله وفای به عهد حتی برای یک روز کنار گذاشته شود، شیرازه زندگی همه گسسته شده و پیشرفت جامعه انسانی عملاً متوقف می‌گردد (۲). این اصل به عنوان یک اصل اخلاقی نقش مهمی در ایجاد بنیانی اخلاقی برای جامعه ایجاد می‌کند که شکل‌گیری روابط اخلاقی بر مبنای اعتماد و ترویج اصل امانتداری از جمله نتایج آن است. در واقع اعتماد و وفای به عهد تأثیر و تأثر متقابلی از یکدیگر می‌پذیرند.

در قرآن کریم، اعتماد عمومی زمانی حاصل می‌شود که علاوه بر تعهد به عقود و تعهدات و وفای به عهد، امانتداری به

این نگاه، هرگز جنس یا گروهی را مستثنا نمی‌کند، بلکه همه آحاد انسانی، اعم از سیاه و سفید، زن و مرد، عرب و عجم در نزد پروردگار برابر دانسته شده‌اند و هیچ اختلافی جز در پرتو امداد الهی و پیروی از راه خدا معنا نمی‌یابد. بدین ترتیب از ثمرات اعتماد عمومی در جامعه آن است که زمینه برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها و ترویج معارف و احکام الهی فراهم می‌شود. همین مسأله نیز بخش مهمی از فرایند تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی محسوب می‌گردد.

از نظر قرآن و آموزه‌های دینی، تعاون و همکاری و مشارکت کردن در امور نیک و سالم، نیازمند ساختن جامعه‌ای سالم و اخلاقی است. جامعه‌ای که محوریت آن بر مبنای اعتماد عمومی بنا شده است و از جمله وظایف دولت اسلامی نیز فراهم‌نمودن چنین شرایطی برای تمامی شهروندان است. هنگامی که اعتماد عمومی بر مبنای صداقت، اعمال نیک و صالح دنبال شود، تعاون و برادری در معنای واقعی و صلح‌آمیز آن نیز محقق می‌شود. با این اوصاف، تعاون اجتماعی بر دو پایه استوار است؛ یکی اصل کفالت همگانی یعنی مسؤولیت متقابل افراد در برابر یکدیگر و سهم‌بودن جامعه در درآمدهای دولتی و دیگری، اصل همکاری عمومی که خود شامل برنامه‌های اخلاقی و التزام به قوانین می‌گردد. نظام اخلاقی اسلام همان ندای همکاری عمومی است که با مشارکت و مسؤولیت‌پذیری افراد جامعه میسر می‌شود.

این حق همگانی برای دولت ایجاد تکلیف می‌کند تا به عنوان خدمتگزار جامعه، از طریق قانونگذاری و سیاستگذاری متناسب، منابع لازم و پایداری را برای افراد جامعه فراهم آورد و زمینه استقرار عدالت اجتماعی را ایجاد نماید. مصداق بارز تعاون و برادری در جامعه اسلامی دستگیری از مستمندان و جلوگیری از تکاثر ثروت در نزد عده‌ای خاص است که خود نشانگر تحول در زیست اخلاقی جامعه و حرکت به سمت جامعه مطلوب است. هنگامی که اعتماد میان مردم و نظام سیاسی در بالاترین سطح خود قرار گیرد، مبارزه با انواع بی‌عدالتی‌ها نیز در میان مردم و نهادهای اجتماعی نهادینه می‌شود و اصل تعاون، برادری و دوستی جای تفرقه و خودخواهی را می‌گیرد. بنابراین در آموزه‌های فقهی اسلام،

دیگران است. صیانت از اموال مردم، بازگرداندن آنان به صاحبانشان و همچنین ترویج اصل اعتماد در جامعه از جمله ثمرات نگرش قرآن به امانتداری به عنوان یک فضیلت اخلاقی است. در همین راستا باز قرآن کریم در آیه ۵۸ سوره نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید.» همچنین آیه ۷۵ سوره آل عمران که بیان می‌دارد: «وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِقِطَارٍ يُؤَدُّ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدُّ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمَّتْ عَلَيْهِ قَائِمًا؛ و در میان اهل کتاب، کسانی هستند که اگر ثروت زیادی به رسم امانت به آن‌ها بسپاری به تو بازمی‌گردانند و کسانی هستند که اگر یک دینار هم به آنان بسپاری به تو باز نمی‌گردانند، مگر تا زمانی که بالای سر آن‌ها ایستاده (و بر آن‌ها مسلط) باشی» (۳).

با توجه به همین رویکرد است که به پیامبر صفت امین اطلاق شده است و از وی خواسته شد که در همه زمینه‌ها، امین مردم باشد. موضوع این امانتداری می‌تواند گستره‌ای از اموال مادی و امور معنوی زندگی انسانی را در بر گیرد. امروزه، رعایت اصل امانت در حوزه‌های اقتصادی و زندگی اجتماعی کاربرد بسیاری دارد. وفای به عهد و امانتداری دو مفهوم در هم آمیخته است که با اتصاف یک جامعه به آن شاخص اخلاق زیستی مطلوب از مجرای اعتماد عمومی فزونی خواهد یافت.

#### ۵-۲. اعتماد عمومی و امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از ارزش‌های مورد تأکید دین اسلام به شمار می‌رود. آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارند که درباره امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است و سیره و سنت رسول گرامی اسلام و ائمه معصوم نیز سراسر امر به معروف و خوبی‌ها و جلوگیری از منکرات در جامعه است. در آیه شریفه، چنین بیان شده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۳).

استدلال مطرح‌شده این است که اصل اعتماد عمومی در جامعه می‌تواند به تحقق یکی دیگر از اصول تأمین‌کننده اخلاقی زیستی، یعنی امر به معروف و نهی از منکر کمک شایانی نماید. در این صورت، قدرت عمومی جامعه برای مقابله

عنوان یک اصل مد نظر قرار گیرد. در آیه شریفه زیر بر همین نکته تأکید شده است که می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ؛ و آن‌ها که امانت‌ها و عهد خود را رعایت می‌کنند» (۳). بر این اساس امانتداری و رعایت آن در زندگی فردی و اجتماعی بخش مهمی از قاعده وفای به عهد خوانده می‌شوند. هنگامی که امانتداری در جامعه اسلامی وجود داشته باشد، اعتماد سایر افراد جامعه نسبت به یکدیگر جلب می‌شود و زمینه‌ای برای تحقق زیست اخلاقی مطلوب فراهم خواهد شد. امانتداری از صفات پسندیده و از فضائل اخلاقی است که در شمار زیادی از آیات قرآن کریم بر اهمیت آن تأکید شده است. امانتداری در واقع از قوانین عمومی و اجتماعی دین اسلام می‌باشد و انسان مؤمن در برابر همه انسان‌ها (اعم از مؤمن و غیر مؤمن) موظف است که در امانت خیانت نکند. با استفاده از همین آیات و روایات و تأکیدی که ائمه معصوم بر اهمیت امانتداری شده‌اند، این مقوله می‌تواند مبنایی برای جلب اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و گسترش اعتماد عمومی در نظر گرفته شود. چنانکه امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: «سه چیز است که خدای متعال در آن‌ها برای کسی رخصتی قرار نداده (یعنی در مورد مؤمن و غیر مؤمن حکم آن‌ها فرق نمی‌کند): ۱- برگرداندن امانت به انسان، نیک باشد یا فاجر؛ ۲- وفای به پیمان برای نیکوکار یا فاجر؛ ۳- نیکی کردن به پدر و مادر، نیک باشند یا بدسرشت» (۴).

بنابراین رعایت اصل امانتداری به معنای تحقق یکی از اصول اخلاقی زیستی مطلوب در جامعه اسلامی است، زیرا آموزه‌های قرآنی، اصل امانتداری را نه تنها در میان مسلمانان، بلکه نسبت به دیگران نیز توصیه می‌کنند و از این جهت تفاوتی میان مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد. این رویکرد فراگیر به خوبی در کلام امام صادق (ع) نیز متجلی است. هنگامی که ایشان در اهمیت امانت‌داری از اموال دیگران و صیانت از اصل اعتماد در جامعه چنین می‌فرمایند: «تقوا پیشه کنید و بر شما باد امانتداری، پس اگر قاتل امیرالمؤمنین (ع) امانتی را به من بسپارد، هر آینه آن را به او بازمی‌گردانم» (۴). بنابراین از منظر اخلاق زیستی در جامعه و بر مبنای آموزه‌های اسلام و آیات قرآن، اصل بر وفای به عهد و امانتداری از اموال

نهی از منکر نیز از جمله لوازم تحقق اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی است که با عنایت به وجود مقدمه‌ای به نام اعتماد عمومی به شکل گسترده و مطلوبی امکان‌پذیر است. به عبارتی دیگر، در جامعه‌ای که اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد آنان نسبت به نظام سیاسی و بالعکس وجود داشته باشد، حس نوع‌دوستی و تلاش برای انجام امور نیک و برحذر داشتن سایر افراد از امور منکر شدت بیشتری به خود می‌گیرد.

### ۳-۵. اعتماد عمومی؛ مسؤلیت‌پذیری و نقد در

**جامعه اسلامی:** مسؤلیت‌پذیری از جمله ارزش‌های اخلاقی سازنده در نظام اسلامی است که نمود بارز آن در حدیث «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت؛ هر کدام از شما مسؤول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد» (۷) دیده می‌شود. در این صورت، در ارتباط شهروندان با نظام سیاسی، اصل مسؤلیت‌پذیری و انجام تکالیفی که به بهبود زندگی آنان منجر گردد، وظیفه‌ای انسانی و اخلاقی و دوسویه است. از این حیث، جامعه مطلوب اسلامی نیازمند مسؤلیت‌پذیری شهروندان و همچنین مقامات سیاسی است که خود نیز از طریق وجود عنصر اعتماد عمومی در جامعه حاصل می‌شود. بر این اساس وقتی اعتماد عمومی میان شهروندان و نظام سیاسی وجود داشته باشد، یک شهروند به کشور و شهرش احساس تعلق می‌کند، زیرا از جمله لوازم تحقق جامعه مطلوب اسلامی آن است که مسلمانان موظف هستند که هرگونه نیکی و محبت از سوی دیگران را پاسخ گویند (۸). این پاسخگویی در صورتی حاصل می‌شود که از قبل، رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد میان طرفین شکل گرفته باشد و به اصطلاح «حسن نیت» طرفین نمایان شود. در این صورت، مسؤلیت‌پذیری به معنای دیدن مصالح جامعه، احساس مسؤلیت در قبال اعمال خود و همچنین پاسخگویی در امور سیاسی و اجتماعی است. به طور مشخص و از حیث اخلاق مطلوب در نظام اسلامی باید گفت که یکی از مسائل عینی شهروندی، احساس تعلق اجتماعی به آداب و رسوم، فرهنگ و... یک کشور است. تجلی عینی این احساس در این است که یک شهروند کشور خود را خانه اصلی خود بداند (۹).

با آسیب‌ها و خطرات فرهنگی و اجتماعی نیز مضاعف می‌شود و متقابلاً اعتماد عمومی نسبت به یکدیگر در جامعه شکل می‌گیرد.

بدین ترتیب امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از موضوعات مهم و اساسی در دین اسلام، رویکردی اجتماعی و سازنده در عرصه زندگی فردی و اجتماعی به شمار می‌رود که از جمله علل گرایش به آن، گسترش شبکه اعتماد عمومی در جامعه بر مبنای گرایش به خیر و نیکی و دوری از ردایل اخلاقی و رفتاری است. آیه زیر یکی دیگر از آیاتی است که بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارد: «یا بَنِي آدَمِ الصَّلَاةَ وَآمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرُوا عَلَى مَا أَصَابَكُمْ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (۳). در همین راستا، در مذهب شیعه هم که در ابتدا یک مذهب کلامی بود و سپس جنبه فقهی هم به خود گرفت، مقوله امر به معروف و نهی از منکر از اهمیت خاصی برخوردار گردید. امامان شیعه به خصوص حضرت امام حسین (ع) در قیام خود بارها و بارها بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید کرده و در آنجا که هدف خود را در رفتن به کوفه و پاسخ مثبتی که به دعوت کوفیان داده، بیان می‌کند، به این امر اشاره دارد: «... من بیهوده و برای فساد و ظلم خروج نکردم، بلکه خروج کردم برای درخواست اصلاح امت جدم (ص) و بر آنم که امر به معروف و نهی از منکر کنم و سیره جدم و پدرم علی بن ابیطالب (ع) را عملی نمایم» (۵). به هر تقدیر باید اذعان داشت که اعتماد عمومی در هر دو رابطه افقی و عمودی زیربنای ترویج اصل امر به معروف و نهی از منکر به مثابه یک اصل بهبود زیست اخلاقی به شمار می‌رود.

لذا در جامعه‌ای امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد که اعتماد عمومی در آن وجود داشته باشد. اعتماد عمومی هم نیازمند شکل‌گیری نوعی نظارت و شفافیت در جامعه و در رابطه میان شهروندان و حکمرانان است که بتوانند با اتکاء به یکدیگر، منافع جمعی را به پیش ببرند. بنابراین در موضوع نظارت و تحقق اعتماد عمومی و انجام امر به معروف و نهی از منکر رابطه‌ای در هم تنیده وجود دارد که لازم و ملزوم یکدیگر به شمار می‌روند (۶). با این اوصاف، امر به معروف و

اعتماد عمومی بستری است که در آن، حس مسؤولیت‌پذیری، پاسخگویی و انتقادپذیری در جامعه گسترش پیدا می‌کند و زمینه تحقق اخلاق زیستی مطلوب در جامعه نیز فراهم می‌شود.

مسؤولیت‌پذیری در بطن خود به معنای پذیرش اصل انتقادگری و انتقادپذیری است. استدلال پیرامون ارتباط میان مسؤولیت‌پذیری و انتقادپذیری و انتقادگری متوجه جایی است که شهروند باید توانایی کنش سیاسی و اجتماعی، تحلیل منطقی و واقعی از تحولات جامعه و همچنین توانایی ایجاد تفکر مسؤولیت‌پذیری را در خود داشته باشد (۱۰). این رویه نیازمند پذیرش آن از سوی نظام سیاسی و برقراری مکانیزمی مسالمت‌آمیز برای بیان نظرات شهروندان به صورت فردی و سازمانی است. در این صورت است که اعتماد عمومی میان مردم و حکومت حاصل می‌شود و نتایج سازنده آن برای برقراری اصول اخلاق زیستی و اسلامی فراهم می‌شود. شهروندان مسؤولیت‌پذیر در جامعه‌ای رشد می‌کنند که فضای نقد و انتقاد در آن وجود داشته باشد. بدین معنا که شهروندی معمولاً با مسؤولیت‌پذیری آحاد جامعه همراه است. شهروند مسؤولیت‌پذیر هرگونه تسامح در انجام وظایف خود را در جهت تقویت زیرساخت‌های اخلاقی جامعه می‌داند. بهترین احساس مطلوب شهروندی، تلاش برای همکاری و مسؤولیت‌پذیری و تمرین اصل پاسخگویی در زندگی فردی و اجتماعی است (۹). بدین ترتیب یکی از نمودهای اساسی انتقاد از سوی مردم، ساماندهی نظارت بر فعالیت سیاستمداران از سوی مردم و شهروندان است. این مکانیزم در دوره کنونی، از سوی بنیانگذاران نظام اسلامی و بر مبنای فقه شیعه مطمح نظر قرار گرفته است. مکانیزمی که به طور مشخص در راستای توجه به اعتماد عمومی و نقش مردم در ساختن و تداوم نظام اسلامی صورت گرفته است که در صورت عملی شدن آن، می‌توان آثار و پیامدهای مطلوبی را در حیطه اخلاق زیستی در نظام اسلامی نیز مشاهده نمود.

آنچه می‌تواند در قالب مقوله نقد و انتقادپذیری و توجه به دیدگاه‌ها، انتخاب و نظر مردم قرار گیرد، اهتمام به نظارت بر عملکرد حاکمان است که در نظریه فقهای برجسته شیعی و

در رابطه با بالاترین سطوح قدرت می‌توان آن را مشاهده نمود. به طور مشخص، دیدگاه امام خمینی (ره) به عنوان یکی از فقهای بزرگ شیعی که توانست نظام سیاسی مبتنی بر مکتب شیعه را پی‌ریزی کند، قابل توجه است. امام خمینی (ره) به صراحت بر این عقیده بود که ولی فقیه نیز در چارچوب قانون اساسی است و باید مقید به قانون اساسی باشد. به بیان ایشان: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو برخلاف رأی شما باشد. باید بپذیرید برای اینکه میزان اکثریت است و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان این است. همه ما باید بپذیریم» (۱۱). لذا اعتماد عمومی زمینه و همچنین عامل تحقق اصل پاسخگویی به عنوان یکی از مبانی تحقق زیست اخلاقی مطلوب در نظام اسلامی می‌شود. بدون وجود احساس مسؤولیت‌پذیری و پاسخگویی شهروندان و مقامات سیاسی نمی‌توان از وجود اخلاق در مناسبات میان شهروندان با یکدیگر و شهروندان با نظام سیاسی سخن به میان آورد.

#### ۴-۵. اعتماد عمومی و برقراری حاکمیت قانون: در

فقه اسلامی منظور از حاکمیت قانون، عمل به دستورات و احکام دینی است که به طور مشخص سنت الهی را مد نظر قرار می‌دهد. از جمله نتایج اعتماد عمومی، برقراری حاکمیت قانون و مساوی بودن همه مردم اعم از نخبگان و توده مردم در پیشگاه حاکمیت قانون است. امام خمینی (ره) به عنوان اندیشمندی اسلامی و از رهبران تأثیرگذار جهان اسلام که دیدگاه‌های وی در زمینه اداره نظام سیاسی، قانون، ارزش‌های اجتماعی و رابطه مردم با حکومت بسیار مورد توجه است، اصل قانون به معنای شرعی آن را یکی از مبانی حکومتداری در نظر می‌گیرند. به طور مشخص، قانون اساسی در اندیشه امام خمینی (ره)، به دلیل رویکرد مذهبی خاصی که در آن وجود دارد، دارای تفاوت‌های قابل توجهی با سایر مکاتب و دیدگاه‌های سیاسی است، هرچند در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) قانون عرفی و مادی‌گرا جای خود را به احکام الهی می‌دهد و مبنایی برای قانونگذاری، اجرای قانون و پیاده‌سازی آن به شمار می‌رود، چه اینکه از نظر امام خمینی (ره): «جز سلطنت خدایی همه سلطنت‌ها برخلاف مصلحت

از سوی حکومت دنبال می‌شود، اصل کرامت انسانی بر مبنای آزادی عقیده و اندیشه و انتقاد از وضعیت موجود نیز محقق خواهد شد (۱۴). بنابراین استقرار اعتماد عمومی از سوی نظام سیاسی و تزریق این تفکر به تمامی ارکان و عناصر حاکمیت، نقش مهمی در تحقق اصل کرامت به عنوان یکی از اصول اخلاق زیستی در نظام اسلامی ایفا می‌کند.

هرچند شهروندی و حقوق شهروندی مفهومی جدید و مدرن است، اما مصادیق و جلوه‌های آن در دین اسلام نیز از دیرباز وجود داشته است. در آیات قرآن کریم و روایات به این نوع از حقوق فردی شهروندی از بعد دیگر پرداخته شده است و اصل کرامت به عنوان یکی از اصول حقوق شهروندان مورد توجه قرار گرفته است؛ از جمله اینکه در دیدگاه اسلامی، حرمت مؤمن در نزد خداوند همسنگ حرمت پیامبر و خاندان پیامبر است (۱۵) که بیانگر اصل احترام به جان، مال و آبروی افراد است. مال و دارایی مسلمان همچون جان و آبروی افراد دارای حرمت و مصونیت، و خون وی محترم است (۱۶). بر مبنای همین اصل و از جمله الزامات اخلاق در جامعه اسلامی است که وظایفی برای نظام سیاسی تعریف می‌شود که بر اساس آن‌ها، رعایت اصل کرامت انسانی و تحقق حقوق شهروندان قابل حصول باشد. این امر نیز نشانگر اهمیت تثبیت الگوی اعتماد به همه اشخاص و افراد جامعه، صرف نظر از خصوصیات قومی، ملی، مذهبی، فرهنگی، زبانی و... است که خود بایسته‌ای اخلاقی به شمار می‌رود. بنابراین در زمینه حقوق شهروندی نیز، اعتماد عمومی و اعتمادی که توسط نظام سیاسی نسبت به مردم ابراز می‌شود، باعث تحقق اصل کرامت انسانی به عنوان یکی از معیارهای اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی خواهد شد.

#### ۶. نتیجه‌گیری

نظام اسلامی بر پایه اخلاق و ارزش‌های اجتماعی بنا شده است؛ بنابراین اگر نظام سیاسی اسلامی بدون توجه به برپایی و اجرای احکام و شعائر دینی و آموزه‌های اخلاق اسلامی، خود را نماینده اجرای احکام شریعت بداند، پذیرفتنی نیست. اخلاق و ارزش‌های اجتماعی در واقع همان معیارهای لازم برای

مردم و جور است و جز قانون خدایی همه قوانین باطل است» (۱۲). به تعبیر ایشان، حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام، یا فرمان خدا، بر همه افراد و دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول گرامی اسلام (ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تابع قانون هستند، همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است (۱۳).

نتیجه عمده‌ای که اعتماد عمومی در پی دارد، توجه به الزامات قانونی و عمل بر مبنای آنان است. بنابراین در صورتی که اعتماد عمومی شکل بگیرد، حاکمیت قانون برقرار می‌شود و این خود مقدمه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی و تداوم آن در عصر جدید است که به معنای بنامشیدن نظام اسلامی بر مبنای اصول اخلاق زیستی در عرصه حیات سیاسی است. با غور در دیدگاه فقها از جمله امام خمینی (ره) می‌توان دریافت که حاکمیت قانون که از نتایج اعتماد عمومی است باعث محقق شدن حاکمیت اخلاق بر مناسبات و روابط مردم در عرصه تعیین حکومت و نظارت بر قدرت می‌شود. بدین ترتیب از این منظر، اعتماد عمومی باعث تحقق حاکمیت قانون و سپس تشکیل نظام سیاسی اخلاقی مطلوب می‌شود. با در نظر گرفتن هم افزایی اعتماد عمومی با حاکمیت قانون و اخلاق دینی بر مبنای آموزه‌های پویای اسلامی (از حیث محتوایی) و تعیین مصداق حکومت (شکل حکومت)، نظام اسلامی به عنوان الگویی برای جهانیان و عاملی برای برقراری صلح و عدالت در جامعه می‌شود.

#### ۵-۵. اعتماد عمومی و اصل کرامت انسانی: همانطور

که بیان شد، اعتماد عمومی شامل اعتماد عمودی (رابطه مردم با نظام سیاسی) و افقی (رابطه مردم با مردم) می‌شود. از این حیث، تحقق برخی از ارزش‌های اخلاقی نیازمند وجود اعتماد به نظام سیاسی است که با تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مناسب بتواند باعث تحقق حقوق مردم، از جمله احترام به کرامت انسانی شود. کرامت انسانی در صورتی قابل حصول است که اعتماد عمومی در جامعه و از سوی حکومت مورد توجه و تأکید قرار گرفته باشد. بنابراین وقتی اعتماد به مردم

#### ۷. تقدیر و تشکر

نویسندگان، تقدیر و تشکر خود را از تمامی عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله از طریق ارائه رهنمودها، مساعدت و همکاری نموده‌اند، ابراز می‌دارند.

#### ۸. سهم نویسندگان

نویسندگان این پژوهش، معیارهای استاندارد نویسندگی بر اساس پیشنهادات کمیته بین‌المللی ناشران مجلات پزشکی را رعایت نموده‌اند.

#### ۹. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

اخلاق زیستی مطلوب هستند که طیف وسیعی از ارزش‌های اجتماعی از جمله صداقت، امانتداری، وفای به عهد، راستگویی، مسئولیت‌پذیری، امر به معروف و نهی از منکر، درک و اجرای قوانین شرع و... را دربر می‌گیرد. با این حال تحقق ارزش‌های لازم برای تحقق اخلاق زیستی مطلوب، نه امری ذهنی و خیالی، بلکه امری انضمامی است و دارای ما به ازای خارجی است. به همین دلیل رفتارهای افراد جامعه با یکدیگر از جمله وجود اعتماد میان مردم با یکدیگر (اعتماد افقی) و اعتماد میان مردم و نظام سیاسی (اعتماد عمودی) به عنوان دو بال اصلی اعتماد عمومی به عنوان پشتوانه و عوامل تحقق‌بخش ارزش‌های ذکرشده محسوب می‌شوند.

اعتماد عمومی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم نقش مهمی در ترویج و حمایت از اصول زیست اخلاقی در نظام اسلامی فراهم می‌آورد. این مسأله بدان خاطر است که دین اسلام دین اخلاق و فضیلت‌هاست و هرگز پذیرفته نیست که نظام سیاسی مورد نظر خود را بدون در نظر گرفتن اصول اخلاق فردی و اجتماعی بنا نهد. زیست اخلاقی مطلوب در نظام اسلامی هنگامی قابل حصول است که بتوان نسبت به سرنوشت افراد، احساس مسئولیت فردی و اجتماعی آنان و رویکرد عدالت‌محورانه در قبال آنان برنامه‌ای جامع ارائه کرد. در جامعه اسلامی که اعتماد عمومی وجود داشته باشد، اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان پشتوانه قوی زیست اخلاقی مطلوب محسوب می‌گردد. فضیلت‌هایی که از اعتماد عمومی حاصل می‌شوند، به خوبی می‌توانند هم زمینه‌ساز برقراری روابط مسالمت‌آمیز میان شهروندان شوند و هم اینکه اصول اخلاقی از جمله وفای به عهدی و امانتداری را به عنوان یک اصل برای تشکیل اخلاق زیستی مطلوب در نظام اسلامی فراهم آورند. مهم‌تر اینکه جامعه‌ای که در آن اعتماد وجود داشته باشد، حاکمیت قانون به عنوان شاکله نظام اسلامی پذیرفته می‌شود و اصول و معیارها بر مبنای قانون و شایستگی دنبال می‌شود. چه این که حاکم‌شدن قانون نیز نقش مهمی در انسجام اجتماعی و ترویج اصول اخلاقی و بنیانی برای زیست اخلاقی مطلوب در نظام اسلامی تلقی شود.

**References**

1. Makarem Shirazi N. Ethics in Quran: Tehran: Publisher Imam Ali (A); 2000.
2. Makarem Shirazi N. Tafsir Nemooneh. Tehran: Publisher Dar al-Ketab al-Islamieh; 1993.
3. The Holly Quran. Al-Mu'minun: 8; Al Imran:75,104; Luqman: 17.
4. Mohammadi ReyShahri M. Mizan al-Hekmah. Qom: Publisher Dar al-hadith; 2004.
5. Majlesi MB. Bahar al-Anvar. Beirut: Publisher Dar al-Ehya al- Turath al-Arabi; 1985.
6. Safikhani S. Social theory in contemporary Iranian thought. *Iranian Journal of Social Studies*. 2010; 6(2): 1-20.
7. Deylami HM. Ershad al-Gholub. Qom: Publisher Dar al-sharif; 1994.
8. Makarem Shirazi N. The Rule of No Harm: Tehran: Publisher Imam Ali (A); 2009.
9. Mohseni Tabrizi A, Moeidfard S, Golabi F. A Survey of Social Trust with a Generational Look at Society. *Journal of Applied Sociology*. 2010; 22(41): 41-70.
10. Fathi Vajargah K, Vahed Chokadeh S. Identifying the Disadvantages of Citizenship Education in the Hidden Curriculum: A Theoretical Secondary Education System from the Perspective of Female Teachers in Tehran and Providing Strategies for Improving Its Status. *Journal Educational New*. 2005; 5(17): 93-132.
11. Mousavi Khomeini R. Sahifeh-ye Imam. Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini; 1998.
12. Mousavi Khomeini R. Kashf al-Asrar. Tehran: Publisher Falagh; 1989.
13. Mousavi Khomeini R. Velayate Faghih (Islamic Government). Tehran: Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini; 2014.
14. Fasihi MH. Freedom of choice of religion from the perspective of Islam. *Journal of Balagh*. 2010; 1(35): 26-36.
15. Mousavi Khalkhali MM. Al-Shiite Jurisprudence. Tehran: Publisher Monir; 2000.
16. Toosi JM. Al-Mabsoot. Corrected by Kashfi M, Behboodi M. Tehran: Publisher Maktab Mortazavieh; 2000.